حذف آخرین وارث خاندان بوتو

گروه بین الملل ـ هرمز برادران: ترور بی نظیر بوتو نخست وزیر پیشین پاکستان و رهبر حزب مردم، این کشور را در فضای پر از آشوب و خشونت قرار داد.

در دومین روز از عزای عمومی سه روزه برای مرگ بوتو، هواداران خشمگین او، خیابان ها را به تسخیر خود درآورده اند. شهر کراچی زادگاه و مدفن او کانون این نزاع بود. دولت پاکستان و جامعه بین المللی در پی یافتن عوامل و مسببان این ترور است و تکاپوی نهادهای امنیتی پاکستان در این زمینه آغاز شده است. اما نخستین اظهارنظر و گمانه زنی وزارت کشور پاکستان درباره علل و شیوه مرگ بوتو که از دخالت عناصر القاعده در این ماجرا حکایت داشت با واکنش منفی هواداران بوتو روبه رو شد.

گزارش ها حاکی است که هنوز ابلاغ سند، خاستگاه خانواده بوتو، شاهد شدیدترین خشونت ها است و شهرهای این ایالت تقریباً به حالت تعطیل درآمده است. دولت پاکستان اعلام کرده که برای کنترل اوضاع، ارتش را برای کنترل خشونت ها به سراسر کشور اعزام خواهد کرد. منابع خبری اطلاع داده اند که تاکنون بر اثر درگیری ها بیش از ۳۰ تن کشته شده اند و صدها خودرو به آتش کشیده شده است.

از سوی دیگر گفته می شود که بنابه اظهار نظر پزشک معالج بوتو، «وی بعد از انفجار به در یا سقف خودرو اصابت کرده و قبل از رسیدن به بیمارستان فوت کرده است اما برخی می گویند که اصابت گلوله به گردن بوتو، سبب مرگ وی بوده است. با این حال حزب مردم به عنوان مهمترین شاکی این پرونده خواستار تحقیقات کامل در این باره است. پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان که به ائتلاف با بوتو در سیاست آینده این کشور امید بسته بود در تماسی تلفنی با آصف علی زرداری، همسر بوتو که پنجشنبه شب به همراه سه فرزند خود از دبی وارد پاکستان شد، وعده داد که ضاربان را به پای میز محاکمه بکشاند. نواز شریف دیگر نخست وزیر سابق پاکستان نیز در صدر هیأتی ۴۷ نفره از رهبران اپوزیسیون پاکستان در دیدار با خانواده بوتو، مشرف را مسئول ترور بوتو معرفی کرد و اظهار داشت که تنها راه التیام این فاجعه کناره گیری او از قدرت است. وی همچنین تهدید کرد که با توجه به شرایط کنونی، حزب مسلم لیگ (شاخه نواز) به رهبری وی انتخابات هشتم ژانویه را تحریم خواهد کرد.

● **نخستین متهمان قتل بوتو (نگاهی به شاخه تندرو برادران مسعود)**

بی نظیر بوتو عصر روز پنجشنبه در محل نشست حزب مردم در «لیاقت باغ» شهر راولپندی بر اثر شلیک یک عامل انتحاری که اندکی بعد خود را منفجر کرد به قتل رسید. همچنین ۳۰ نفر دیگر کشته و بیش از ۸۰ تن زخمی شدند. صاحب نظران و گروه های متعدد پاکستان دیدگاه های متفاوت و حتی متناقضی درباره ترور بوتو دارند به گونه ای که می توان فهرست بلندی از مظنونان را براساس اظهارات آنان تهیه کرد. دولت پاکستان در اولین مرحله، القاعده و شبه نظامیان طالبان را که در مناطق قبایلی هم مرز با افغانستان حضور دارند عاملان ترور بوتو معرفی کرده است. حامد نواز وزیر کشور موقت پاکستان شاخه ای از القاعده تحت ریاست بیت الله محسود را متهم اول در ترور بوتو معرفی کرد و افزود: «مکالمه خصوصی القاعده در این خصوص ردیابی شده است.» اما مولانا محمد عمر سخنگوی محسود مشارکت این گروه در ترور بوتو را رد کرد و آن را «پروپاگاندای دولتی» نامید. وی از منطقه وزیرستان شمالی در گفت و گوی تلفنی به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: «ما قویاً این ادعا را رد می کنیم. بیت الله محسود در ترور بوتو نقشی نداشته است. واقعیت این است که ما فقط با آمریکا مخالفیم و رهبران سیاسی پاکستان را دشمنان خود نمی دانیم.»

تحلیلگرانی که قتل بوتو را به جریان طالبانیسم نسبت می دهند، معتقدند از آنجا که بوتو می توانست در آینده سیاسی این کشور نقشی در پیاده ساختن سیاست مقابله با طالبان و القاعده ایفا کند، احتمال دخالت این جریان وجود دارد. بوتو در تبلیغات انتخاباتی به صراحت تقابل با طالبان و القاعده را در کانون سخنرانی های خود قرار داده بود که بیش از هر چیزی نیروهای شبه نظامی در وزیرستان شمالی را نگران ساخته بود و همین مسأله گمانه زنی درباره نقش محسود در قتل بوتو را به واقعیت نزدیک تر می سازد.

برادران محسود رهبران ائتلافی تازه تأسیس از شبه نظامیان به نام «تحریک طالبان» هستند که جنگ علیه دولت پاکستان را به دلیل همپیمانی با آمریکا و قلع و قمع طالبان آغاز کرده اند. محسود فرمانده ای ۳۴ ساله است که به گفته کسانی که وی را از نزدیک دیده اند، همواره از تفاسیر سلفی از شریعت برای توجیه اعمال خود استفاده می کند و در حال حاضر جنگ او بر پایه تلاش برای اخراج آمریکا و ناتو از افغانستان و ایجاد دولتی اسلامی با قرائت های سلفی در آنجا استوار است. وی به طایفه محسود در وزیرستان جنوبی تعلق دارد، اما بارها برای جنگ علیه نیروهای خارجی در افغانستان از مرز گذر کرده است. پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ محسود نقش های بیشتری یافت و گفته می شود که وی تحت امر جلال الدین حقانی از فرماندهان طالبان عمل می کند. حقانی کسی است که در بمباران کوه های تورابورا در سال ۲۰۰۲ به اسامه بن لادن کمک کرد که از آنجا بگریزد. به گفته خود محسود، وی فرماندهی ۲۰ هزار نیروی طالبان را برعهده دارد که اغلب آنها از طایفه محسود هستند. عامل قتل بوتو فردی به نام «کرامت الله بلال» از نزدیکان محسود بوده است.

● **فرضیه هواداران بوتو**

جمع زیادی از هواداران بوتو، سرویس امنیت اطلاعات پاکستان (ISI) را متهم به دخالت در ترور او می خوانند که این گمانه زنی بر اساس صحبت خود بوتو است که گفته بود اگر کشته شوم، مسببان مرگ من نظامیان هستند.

در جریان سوء قصد قبلی به بوتو، او چند تن از چهره های متنفذ امنیتی - سیاسی پاکستان را متهم ساخت. ترکیب این چهره ها به گونه ای بود که هم انگشت اتهام را به سمت نظامیان می برد، هم این که پنجابی ها را مقصر نشان می داد. این افراد عبارت بودند از حمید گل، رئیس پیشین سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (آی. اس. آی.)، اعجازشاه مقام ارشد امنیتی و چوهدری پرویز الهی سرورز پنجاب.

قربانی یک محاسبه اشتباه

گروه بین الملل ـ محمد نوری: مرگ سیاسی بی نظیر بوتو، برای سال میلادی پاکستانی ها، پایانی تراژیک بود و برای دولت و مجلسی که قرار است از بطن انتخابات ۸ ژانویه این کشور زاده شود، تولدی ناگوار.

اکنون جنوب، نشینان ایالت سند و هواداران حزب مردم پس از ۲۸ سال از اعدام قائد محبوب شان، ذوالفقار علی بوتو، بر طالع خویش می نالند که آخرین امیدشان برای ستاندن قدرت از طایفه اریستوکرات های پنجاب از دست رفت. سوی دیگر گروه حامیان خارجی بوتو (آمریکا، انگلیس، عربستان و امارات) از خطای محاسبه خویش زبان به سرزنش همدیگر گشوده اند که پروژه بزرگ آنها برای ائتلاف دو نهاد نظامیان و سیاسیون (مشرف ـ بوتو) نه تنها بذر ثبات نیفکند که توفان و ترور به بار آورد. بوتو پس از ۸ سال زیستن در تبعید با بازگشت به پاکستان، تصمیمی را گرفت که برای هر سیاستمداری بالاترین ریسک محسوب می شود، بی نظیر آشکارا پرچم رهبری مبارزه در دو جبهه را برافراشت. اول مبارزه علیه ساکنان خانه قدرت و دوم مبارزه علیه شبه نظامیان مستقر در مناطق قبایلی پاکستان. به این صورت راهی که بوتو برگزید، راه قهرمانی یا مرگ بود آن هم در سرزمینی چند پارچه که قدرت میان طایفه نظامیان، اریستوکرات ها و قبایل تقسیم شده است.

بوتو چنانکه کارنامه خاندان فقید او می گوید سیاستمداری متهور و خستگی ناپذیر بود. اما همین نقطه قوت او که مورد تحسین بود، موجب اصلی آسیب پذیری او شد. بوتو با تصمیم ۱۸ اکتبر خود و بازگشت به پاکستان به معنای واقعی در میدان مین گذاری شده گام نهاد. پاکستان ۲۰۰۷ نسبت به ایام حضور او در دهه ۹۰ بسیار تغییر کرده بود. اما سماجت سیاسی این آخرین وارث خاندان بوتو مانع از آن شد که او محتملات سیاسی جدید پاکستان را در تصمیم گیری خود لحاظ کند. در پاکستان جدید هنوز کسانی که او را ۸ سال در تبعید نگه داشتند بر مصدر قدرت هستند همینطور تفکری که پدرش را پای چوبه دار برد از صحنه خارج نشده است و بر این دو طیف دشمنان تاریخی بوتو، حلقه سومی هم ملحق شده که به عنوان طالبانیسم جدید از لایه های قبیله ای و ایدئولوژیک پاکستان سر بر آورده است.

پس از اولین سوءقصدی که سه ماه پیش هواداران با بازگشت بوتو را در ۱۸ اکتبر به سوگ نشاند، بسیاری از مشاوران او خواهان بازبینی در استراتژی مبارزاتی او شدند اما بوتو با همان حدت و شدت، مسیر مبارزه خویش را ادامه داد. در وضعیتی که حتی شرکای آوانگارد غرب مانند مشرف، با طرح شعار آشتی ملی عملگرایی را شرط لازم برای بقای سیاستمدار می خواندند، بوتو استراتژی مبارزه خود را بر مبنای صفر و صد تنظیم کرد، او به همه نیروهای ایدئولوژیک در مناطق قدرتمند قبایلی مأوا گزیده اند اعلام جنگ داد و بسیاری از پیونیفورم پوشان را که ستون فقرات امنیت پاکستان را در اختیار دارند به چالش کشاند. به این صورت او از میان دو گزینه مرسوم در برخورد با کانون های قدرت حریف، یعنی مصالحه و مقابله، دومی را برگزید. پیدا بود که در شرایطی که عقربه زمان و اتمسفر انتخابات به نفع بانوی پرآوازه سندی ها پیش می رفت، مخالفان مرکزنشین و مرزنشین او آرام ننشینند.

آنها که تصمیم به خاموش ساختن ستاره سیاسی سندی ها گرفته بودند می دانستند که برای شکست بوتو راه سنتی کودتا با وضع فوق العاده کارساز نیست چون مذموم و مطرود جهان امروز است. نسخه دوم یعنی ایجاد ائتلاف های انتخاباتی نیز به دلیل شکاف در روابط مشرف با احزاب میسر نیست پس فقط یک راه باقی می ماند و آن توسل به حذف فیزیکی و قاعده ترور. بوتو بر این باور بود که ضمانت سه قدرت غربی و عربی در کنار اقبال مردم عادی، برای توفیق سیاسی او کافی است اما این «خط در محاسبه» پیش از آن که دامن بوتو را بگیرد متوجه قدرت هایی است که در خارج از پاکستان رهبر فقید حزب مردم را با دستان خالی در میدان حریفان مسلح قرار دادند. بازگشت بوتو پس از هشت سال تبعید حاصل پیمان و پروژه پرطمطراقی بود که با امضای سه بازیگر خارجی پاکستان یعنی آمریکا، انگلیس و عربستان و تعهد دولت مشرف به اجرا درآمد و اکنون مرگ بوتو نقطه پایان این پروژه است.

با این شکست می توان گفت که واشنگتن و شرکایش به دومین خطای استراتژیک خود در این منطقه - پس از افغانستان - دچار می شوند. اشتباهی که از یک ساده انگاری درباره جامعه پیچیده پاکستان ناشی می شود. بنابراین پافشاری جزم گرایانه، آمریکایی ها بر پیاده کردن سناریوی بازگشت بوتو و اتحاد او با مشرف، اتحادی که از ابتدا محکوم به شکست بود، موضوعی نیست که بتوان در بازخوانی تراژدی مرگ بوتو آن را نادیده گرفت. هرچند از سخنان رایس پیداست که واشنگتن مسئولیتی را در این حادثه نمی پذیرد و فقط ممکن است نگرو پونته به عنوان تصمیم گیر امور پاکستان به کنگره احضار شود.

بازتاب گسترده ای که مرگ آخرین وارث خاندان بوتو در پی داشت را از دو منظر می توان نگریست، نخست به جهت آن که با این حادثه نزاع کهنه سندی ها و پنجابی ها یا نظامیان و سیاسیون دوباره سر باز می کند و موج دیگری از خشونت و بازی حذفی بر جامعه خسته پاکستان آوار می شود و دوم از حیث اعتباری که خاندان بوتو و حزب مردم به عنوان پرچمدار هویت پاکستان در میان ملت های جهان اسلام و ایران دارا هستند. تصویر بی نظیر بوتو نزد ملت های منطقه همان بود که او به عنوان نخستین نخست وزیر زن مسلمان شناخته می شد، حیات سیاسی او که نیمی از آن در تبعید و زندان سپری شده بود از وی یک شخصیت منحصر به فرد ساخته بود. تفکر سیاسی بوتو با آن که ملغمه ای از غربگرایی و شرق ستایی بود و از این نظر او نماد چهره دوگانه نیمه سنتی و نیمه مدرن پاکستان بود، اما به عنوان یک چهره دوستدار ایرانی ها همواره به دیده احترام به ایران و ایرانی ها می نگریست. با مرگ سیاسی او، آسمان سیاست پاکستان شفاف تر شد و پرده های خوشبینی و ساده انگاری از نگاه بازیگران بین المللی کنار رفت اما امیدها به بازگشت ثبات و تفاهم و همزیستی در شصتمین بهار استقلال این سرزمین به افول گرایید.

نگاه

ظهور و افول بی نظیر

گروه بین الملل ـ بنفشه غلامی: تقدیر جامعه سیاسی پاکستان چنین بود که بی نظیر بوتو، آخرین بازمانده از شاخانه شده ترین خانواده سیاسی پاکستان پنجشنبه ۲۷ دسامبر (۶ دی) در جمع هواداران خود کشته شود؛ تقدیری که پیش از این گریبان پدر و دو برادرش را گرفت، آنها که در خلوت به قتل رسیدند.

«محترم بی نظیر بوتو» ۲۱ ژوئن ۱۹۵۳ در کراچی پاکستان در خانواده متمول «بوتو» زاده شد. پدرش ذوالفقار علی بوتو صاحب مدرک علوم سیاسی از دانشگاه برکلی، در فعالیت های سیاسی کراچی دخیل بود و مادرش «بیگم نصرت اصفهانی» که اصلیتی ایرانی داشت، از خانواده های شیعه و سرشناس کراچی به شمار می آمد. بی نظیر اولین فرزند این خانواده بود. پس از او مرتضی، صنم و شهنواز بوتو پا به عرصه حیات گذاردند که همه آنها به جز «صنم» که اکنون در لندن به همراه دو فرزندش «شهریار» و «آزادی» زندگی می کند، در فعالیت های سیاسی شرکت جستند و جان خود را بر سر این کار نهادند. بی نظیر پس از اتمام تحصیلات خود در پاکستان برای ادامه تحصیلات تکمیلی به آمریکا سفر کرد و وارد رشته هنر شد. او که در این زمان ۱۶ ساله بود به جنبش های مردمی که مخالف جنگ ویتنام بودند، پیوست. خود بی نظیر بعدها درباره این ایام گفت: «در دانشگاه هاروارد بودم که متوجه قدرت مردم شدم. چیزی که در پاکستان وجود نداشت و اگر کسی حرفی می زد، زندانی می شد.»

او ۲۰ ساله بود که پدرش نخست وزیر پاکستان شد اما آن روزها بی نظیر علاقه ای به سیاست نشان نمی داد: «پدرم نخست وزیر بود و پدر بزرگم فعال سیاسی، اما علاقه ای به سیاست در این رده نداشتم. بیشتر دوست داشتم خبرنگاری در حوزه ای غیرسیاسی باشم. اما وقتی پدرم به زندان افتاد و سپس کشته شد، دیگر چاره ای نداشتم جز این که راه او را ادامه دهم. زیرا هواداران پدرم چنین می خواستند.» به این ترتیب «بی نظیر» پا به عرصه سیاست گذارد و در مدتی کمتر از یک دهه بعد تبدیل به چهره ای مؤثر شد.

«دختر مشرق» نامی که بوتو بر اولین کتابش نهاده، پس از اتمام تحصیلات به پاکستان بازگشت و در ایام زمامداری ضیاءالحق بازداشت شد. او این دوران را که پنج سال به طول انجامید، سخت ترین برهه زندگی اش می داند. بی نظیر در ۱۹۸۴ پس از این که برای مداوای بیماری از زندان خارج شد، به انگلیس رفت و رهبر حزب مردم که پدرش بنیانگذار آن بود، شد. بعد از مرگ ژنرال ضیاءالحق در ۱۹۸۸ بی نظیر بوتو توانست در اولین انتخاباتی که پس از یک دهه حکومت نظامیان در پاکستان برگزار می شد، پیروز و به عنوان نخست وزیر پاکستان سوگند یاد کند. بی نظیر خیلی زود فهمید هرگز قادر نخواهد بود با ژنرال هایی که قدرت اصلی را در پاکستان در دست دارند و پیشتر ایام، زمامداری را برعهده داشتند، رابطه ای عادی همچون یک نخست وزیر با بخش نظامی کشورش برقرار کند. زیرا او نه فقط دختر ذوالفقار علی که اولین زن نخست وزیر در پاکستان بود و از ایده دموکراتیزاسیون به شدت دفاع می کرد.

این دوره از نخست وزیری او دو سال به طول انجامید. دوره دوم نخست وزیری بی نظیر نیز در سال ۱۹۹۳ شروع و در ۱۹۹۶ تمام شد. او در هر دو دوره با اتهام فساد مالی روبه رو بود. ژنرال ها این اتهام را در شرایطی به او وارد کردند که بی نظیر در اوج محبوبیت قرار داشت و حتی در خارج از مرزهای پاکستان نیز به خاطر تفکرات تازه خود شهرت زیادی کسب کرده بود. او سال ۱۹۹۹ درباره اتهام وارده گفت: «آنها با این اتهام می خواستند مرا و اعتقادات پلورالیستی و لیبرالی پاکستان را نابود سازند. این اتهام قلب مرا به درد آورد.»

او یک سال پیش از این ماجرا هدر تبعیدی خودخواسته به دبی رفت و از آنجا رهبری حزب خود را به دست گرفت. روزگار تبعید او ۸ سال به طول انجامید. بی نظیر بوتو ۱۸ اکتبر در حالی به پاکستان بازگشت که سند توافق او با مشرف منتشر شد. اما خود او ۲۰ روز پس از ورودش به کشور و مواجه شدن با اعلام وضع اضطراری از سوی مشرف اظهار داشت: «چطور می توانم با کسی به توافق برسم که امید می دهد و بعد خود آن را نابود می سازد. او (مشرف) با من درباره دموکراسی حرف می زند اما بعد قوانین نظامی اش را بر من تحمیل می کند.»

ترجیع بند سخنرانی ها و مینیتگ های بی نظیر بوتو از ۱۸ اکتبر که وارد پاکستان شد تا زمان مرگش دموکراسی و انتخابات بود. او حتی پس از دریافت اولین نشانه های تهدید و ترور حاضر به ترک انتخابات نشد و برخلاف بسیاری از احزاب و سران سیاسی که آن را تحریم می کردند، گفت: «پاکستان در شرایطی حساس قرار دارد. همه ما در روز انتخابات انتخابی قاطع خواهیم داشت. ما می توانیم پاکستان را از سال های دیکتاتوری، افراط گرایی و فشارهای اقتصادی که متحمل شده است، رها سازیم.» این سخنان او حاکی از آن بود که او همزمان سرستیز با برخی نظامیان و تندروها را دارد و این هر دو برای او خطری بزرگ محسوب می شد. او در آخرین سخنرانی خود که ساعتی قبل از مرگش ایراد شد، به این خطرات اشاره کرد و گفت: «با بازگشتم، زندگی خود را به خطر انداختم.»

● **خاندان نفرین شده**

از سرزمینی که زمانی هندوستان نامیده می شد دو خاندان گاندی و بوتو بیش از همه مشهورند و عجیب تر این که هر دو خانواده حوادثی تراژیک را تجربه کرده اند. بی نظیر آخرین فرد سیاسی خانواده بوتو بود که تراژدی مرگ دفتر زندگی او را بست. پدر این خانواده ذوالفقار علی بوتو، نخست وزیر و سپس رئیس جمهور پیشین در صف مردان استقلال قرار دارد. پاکستان در دوره صدارت او سال های استقلال را به معنای واقعی تجربه کرد. در این دوره نظامیان حضوری در سیاست نداشتند. اما به تدریج و با بروز چند جنگ میان هند و پاکستان بر نفوذ نظامیان افزوده شد و همین باعث کودتای ژنرال ضیاءالحق علیه او در سال ۱۹۷۷ شد. ذوالفقار علی ۲ سال پس از آن اعدام شد.

مرتضی بوتو فرزند دوم و پسر ارشد خانواده بوتو پس از اعدام پدر، از حزب مردم که انتظار می رفت وی رهبری اش را به دست گیرد، انشعاب کرد و همراه با گروه شبه نظامی الذوالفقار به مبارزه با دولت نظامی وقت پرداخت. او سال ۱۹۹۳ در انتخابات پارلمانی شرکت کرد و به عنوان نماینده استان سند انتخاب شد. اما در سال ۱۹۹۶ با نحو مرموزی به قتل رسید. شهنواز بوتو کوچک ترین عضو خانواده نیز در فعالیت های سیاسی دست داشت. هرچند فعالیت های او به گستردگی فعالیت های مرتضی و بی نظیر نبود اما سال ۱۹۸۵ او را نیز در آپارتمانش در فرانسه مرده پیدا کردند. برخی معتقدند او مسموم شده بوده است.
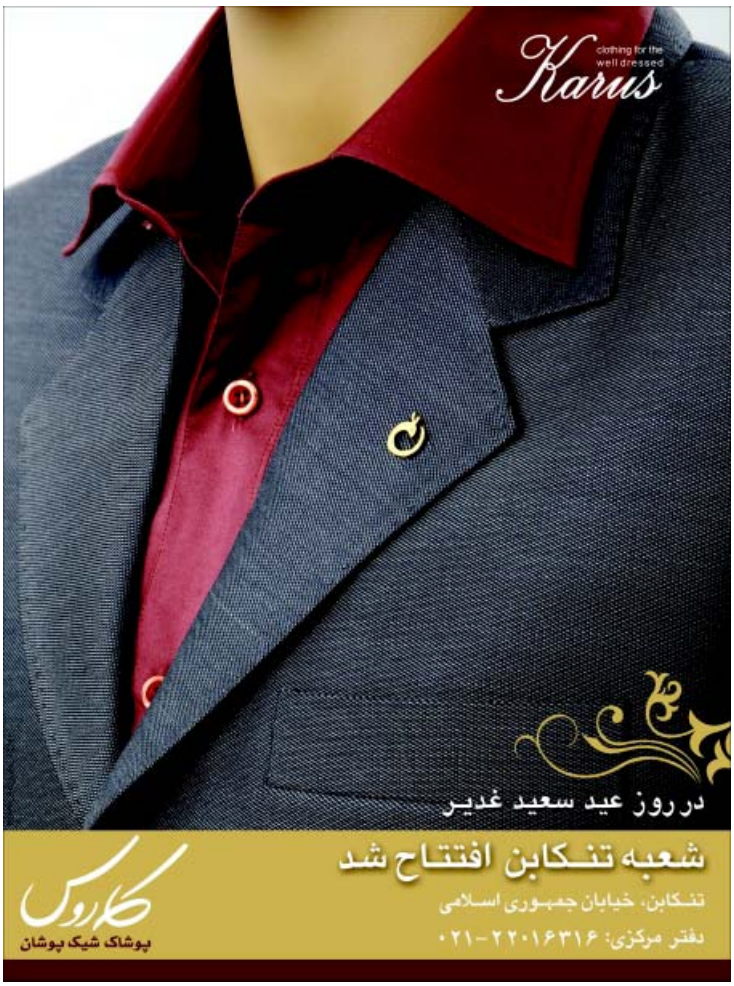
امروز تنها میراث مجسم خانواده بوتو در صحنه سیاست پاکستان حزبی است که همه افکار بنیانگذار آن (ذوالفقار علی) و ادامه دهنده آن (بی نظیر) در مانیفست حزب گنجانده شده است. اصول فکری حزب مردم در چند عبارت خلاصه شده است: اسلام، آئین ما؛ دموکراسی سیاست ما؛ سوسیالیسم اقتصاد ما، مردم محور قدرت ما.